

رفتارشناسی سیاست خارجی عربستان در قبال مصر و بحرین بعد از انقلاب‌های عربی

* سید مهدی مدنی

** حسین هواسی

چکیده

وقوع انقلاب‌های منطقه‌ای در تونس و مصر و گسترش نا آرامی‌های حاصل از آن به دیگر کشورهای منطقه در غرب آسیا، سبب شده که با گذشت سه سال از این پدیده، شاهد شکل‌گیری مناسبات و همچنین الگوهای رفتاری جدید منطقه‌ای باشیم. در این میان می‌توان رفتار بازیگران این منطقه از حیث مقابله و مواجهه با این انقلاب‌ها را در دو طیف مورد ملاحظه قرار داد. کشورهایی که از این انقلاب‌ها و همچنین موج تحول‌خواهی استقبال کرده‌اند و در مقابل کشورهایی که گسترش این روند را بر خلاف منافع ملی - فراملی خود دیده و سعی در مقابله و ممانعت از گسترش این موج داشته‌اند. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی تعاملات عربستان سعودی با دو کشور انقلابی مصر (تا قبل از برکناری مرسی) و بحرین است. پاسخ ابتدایی به فرضیه اصلی این تحقیق هم عبارت است: عربستان به عنوان یک بازیگر محافظه کار کوشیده تا کاربست سیاست «محافظه‌کارانه تهاجمی» و بهره‌گیری از ابزارهای مختلف (سیاسی، اقتصادی و امنیتی - نظامی) مانع از انتقال امواج انقلاب به داخل سرزمین خود شود.

واژگان کلیدی

عربستان سعودی، انقلاب‌های منطقه‌ای، مصر، بحرین.

مقدمه

انقلاب‌های عربی پدیده‌ای شگفت‌انگیز در منطقه خاورمیانه بوده که با گذشت نزدیک به سه سال از وقوع

karevanrafto@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲

*. دانشجوی دوره دکتری مطالعات خاورمیانه دانشگاه تهران.

** کارشناسی ارشد سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۵

آن در تونس، تبعات و دامنه آن هنوز هم تداوم دارد. به تعبیری اگر چه تونس، مصر، لیبی و یمن شاهد تغییرات در رأس ساختار حکومتی بوده‌اند اما این موج همچنان در بحرین و عربستان و حتی به گفته برخی سوریه، فرو ننشسته و این احتمال می‌رود که کشورهای فوق‌الذکر و همچنین دیگر کشورهای منطقه شاهد تغییراتی در این سطح، کمتر یا بیشتر، باشند.

به طور خلاصه آنچه امروز تحت عنوان بهار عربی و یا بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا قابل بررسی است از خودسوزی یک جوان تونسی به نام بوعزیزی در شهر سیدی بوزید، کیلومترها آن طرف تر از پایتخت تونس، آغاز شد. موج اعتراضی به پا خواسته از این جوان سبزی‌فروش در مدت کمی به پایتخت رسید و تظاهرات آغاز شده در تونس خیلی زود سبب شد که بن‌علی رئیس‌جمهور مستبد کشور تونس، پایتخت کشورش را به مقصد ریاض ترک کند و بدین ترتیب حکومت سی ساله بن‌علی در تونس پایان یابد. کمی دورتر، قاهره که پایتخت فرهنگی و سیاسی جهان عرب است، با تأسی به تونسی‌ها همان راه را در پیش گرفتند و نافرمانی‌ها و اعتراضات خیابانی لختی بعد وارد سرزمین فراغنه شد و این کشور مستعد هم دیری نگذشت که اعتراضاتش که از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ شروع شده بود، در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به ثمر رسید و مصری‌ها سقوط دیکتاتورشان را جشن گرفتند.

اما این پایان ماجرا نبود. کشورهای دیگر هم شاهد تظاهرات گسترده علیه حکام دیکتاتور خود بودند. یمن، لیبی، مراکش، اردن، کویت، سوریه و بحرین هم از جمله کشورهایی بود که شاهد تظاهرات علیه ساخت دولتی بودند. البته نتیجه تظاهرات در این سرزمین‌ها متفاوت بود. در یمن و لیبی شاهد آن بودیم که علی عبدالله صالح و معمر قذافی جای خود را به انقلابیان دادند. اردن، مراکش و کویت با اصلاحات دست و پا شکسته از انقلاب مردمی گریختند. در سوریه تظاهرات مردمی با دخالت کشورهای خارجی به سمت یک جنگ منطقه‌ای تغییر فاز یافت و نهایتاً در بحرین تظاهرات مردمی با کمک نیروهای بیگانه به شدت سرکوب شد، اما تاکنون این اعتراضات ادامه داشته است.

بررسی رویکرد سیاست خارجی عربستان؛ محافظه‌کاری تهاجمی

در این میان بررسی سیاست خارجی عربستان به عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای، نشان می‌دهد که عربستان می‌کوشد تا با اتخاذ یک سیاست خارجی «محافظه‌کارانه تهاجمی» و نه «تدافعی» مانع از تسری این موج به مرزهای داخلی خود شود. دلیل کاربست چنین واژه‌ای آن است که در این نوع از سیاست خارجی، بازیگر می‌کوشد تا ضمن حفظ نظم موجود و خنثی‌سازی مؤلفه‌های تأثیرگذار برای تغییر در نظم حاکم، این نوع از ممانعت را از طریق دیپلماسی در عرصه سیاست خارجی، ارسال نیروی نظامی و سلاح و حتی اشغال نظامی عملیاتی کند. تحلیل سیاست خارجی عربستان پس از انقلاب‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که عربستان برای حفظ نظم منطقه‌ای تنها ناظر تحولات نبوده بلکه این کشور برای حفظ ساختارهای منطقه‌ای کوشید تا با

حضور تمام قد، بر روی مؤلفه‌های تأثیرگذار در این انقلاب‌ها اثر بگذارد. لذا سیاست خارجی عربستان از یک سو محافظه‌کارانه است؛ چراکه تمایل به حفظ وضع موجود دارد، اما همزمان تهاجمی هم هست؛ زیرا تلاش دارد تا با به کارگیری ابزارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی فضای انقلاب‌های منطقه‌ای را به نفع خود مدیریت کند. بر خلاف این رویکرد، سیاست خارجی محافظه‌کارانه تدافعی است که تنها بر ممانعت از ورود مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظم حاکم و پاکسازی محیط سرزمینی از عوامل تغییر اکتفا می‌کند که برای مثال می‌توان کویت را در نظر گرفت.

آنچه به عنوان هدف این پژوهش در دستور کار قرار می‌گیرد بررسی سیاست خارجی عربستان در قبال دو بازیگر منطقه یعنی بحرین و مصر تا قبل از برکناری محمد مرسی است. انتخاب این دو بازیگر از آن جهت است که اولاً دامنه انقلاب‌های منطقه چنان گسترده است (تونس در غربی ترین نقطه آفریقا تا بحرین در جنوب غرب آسیا) که بررسی سیاست خارجی عربستان در مورد تمام این بازیگران در یک پژوهش این چنینی نمی‌گنجد. دوم اینکه انتخاب این دو بازیگر از آن جهت است که یکی شاهد تغییرات عمده ساختاری بوده و دیگری همچنان برای دستیابی به اهداف انقلاب خود راه زیادی دارد و در نتیجه می‌توان صور مختلف اعمال سیاست خارجی عربستان را مورد سنجش قرار داد. این اعمال سیاست خارجی نشان می‌دهد که عربستان برای حفظ نظم منطقه‌ای از چه ابزارهایی استفاده می‌کند. در ادامه نگرشی اجمالی به دو انقلاب مصر و بحرین خواهیم داشت و سپس سیاست خارجی عربستان در قبال این دو انقلاب را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

انقلاب‌های منطقه‌ای و بازیگری عربستان

عربستان بعد از انقلاب‌های عربی کوشید تا نظم نوین ایجاد شده در پس این انقلاب‌ها را با توجه به منافع و علایق خود بازسازی کند. در واقع، مشاهده می‌شود که عربستان می‌کوشد تا برخلاف گذشته که همواره تلاش می‌کرد تا نظم موجود حفظ شود، این بار درصدد بر می‌آید که نظم دوران گذار را بر اساس اهداف خویش تبیین کند. نظمی که در یک سوی آن تأمین اهداف این کشور و در سوی دیگر آن حفظ عناصر شکل دهنده به نظم سابق است. مضاوی الرشید، استاد عربستانی در رشته انسان‌شناسی دینی در دانشگاه کینگز در لندن در خصوص نحوه بازیگری عربستان عنوان می‌کند:

استراتژی عربستان در سرکوب تظاهرات بحرین، مهار یمن و حمایت آشکار از مخالفان سوریه با هدف تحت کنترل درآوردن اوضاع سیاسی است؛ اما به گونه‌ای که نظام عربستان مورد تهدید قرار نگیرد. (الرشید، ۲۰۱۲: منبع اینترنتی)

در این میان عربستان کوشیده تا از طریق ابزارهایی که در دست دارد این اهداف را عملی کند. ابزارهای سیاست خارجی عربستان همواره مذهب یا ایدئولوژی و نفت بوده است. اهداف سیاست خارجی عربستان عبارت است از تضمین امنیت داخلی و منطقه‌ای، تأکید بر رهبری جهان اسلام، مخالفت و مبارزه با کانون‌های انقلابی

و تقویت و تحکیم مرجعیت سیاسی رژیم‌های وابسته. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۲۲۷ - ۸)

در همین زمینه گوئی‌دو اشتینبرگ، کارشناس مسائل عربستان سعودی در مؤسسه امور بین‌المللی و امنیتی آلمان معتقد است: «حاکمان سعودی تلاش می‌کنند تا رژیم دیکتاتوری آنها پا بر جا بماند و آنها یک هدف مشترک دارند: بقا در قدرت». به گفته اشتینبرگ این اقدام از آن جهت صورت می‌گیرد که حاکمیت عربستان دارای مشروعیت محدود است. آنها به طور مداوم نگران از دست دادن قدرت هستند. (اشتینبرگ، ۲۰۱۲: منع اینترنتی) در واقع عربستان به عنوان مهندس اصلی مقابله با انقلاب و حتی معکوس کردن بهار عربی به ایفای نقش می‌پردازد. (Kamrava, 2011: 96)

عربستان و انقلاب مصر

وقوع انقلاب‌های منطقه‌ای بیش از هر چیز پایه‌های نظم سنتی خاورمیانه را با چالش مواجه ساخت. سست شدن ارکان این نظم، متولیان آن یعنی آمریکا به عنوان ناظم بزرگ و عربستان به عنوان ناظم کوچک را به صرافت انداخت تا با ارکان موج تحول‌خواهی به مقابله برخیزد. به تعبیر دیگر، عربستان کوشید تا با به کارگیری ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای خود امواج این انقلاب را مهار کند. خاصه آنکه عربستان شاهد آشوب در محیط پیرامونی خود یعنی بحرین بود.

در یک شمای کلی، بازیگری عربستان در مواجهه با انقلاب مصر تا پیش از سقوط محمد مرسی را می‌توان در سه مؤلفه مورد بررسی قرار داد. اول مقابله با انقلاب مصر و حمایت از حسنی مبارک، دوم ممانعت از پیروزی انقلابی‌ها در انتخابات پس از سقوط مبارک و سوم استراتژی هویج و چماق و یا تطمیع و تهدید مصر. در ادامه شاخصه‌های این سه نوع بازیگری را مورد بازبینی قرار می‌دهیم.

الف) مقابله با انقلاب

همان طور که گفته شد، فروپاشی حکومت حسنی مبارک به عنوان یکی از ارکان اصلی نظم سنتی منطقه نمی‌توانست به مذاق آل سعود خوش بیاید. تبعات این فروپاشی هزینه زیادی را برای عربستان داشته و لذا می‌بینیم که عربستان تا لحظه آخر تلاش می‌کند تا مبارک را حفظ کند. برای مثال در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ یعنی کمی قبل از پیروزی انقلاب مصر، ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه عربستان در تماسی تلفنی با حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر تأیید و همبستگی خود با دولت مصر را اعلام کرد و معترضان به ظلم و استبداد و طاغوت در مصر را کسانی خواند که «امنیت و ثبات» این کشور را به مخاطره می‌اندازند. وی در این تماس تلفنی گفت که «انسان نمی‌تواند تحمل کند که کسانی با نام آزادی بیان بازی می‌کنند و کینه و کدورت‌های خود را برای تخریب و ترساندن مردم و تلاش برای فتنه‌انگیزی در این کشور به کار می‌گیرند». (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹) گفته می‌شود که مقامات عربستان از آمریکایی‌ها نیز به شدت انتقاد کردند که «چرا این قدر

راحت یک هم‌پیمان خود را رها کرده‌اند». روز نامه القدس العربی در این زمینه به نقل از منابع آگاه عربستانی نوشت که «پادشاه عربستان از مسئولان آمریکایی به دلیل عدم حمایت از هم‌پیمان تاریخی خود بدون توجه به خدمات وی انتقاد کرده است». (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ ب)

در همین تاریخ روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز از اعمال فشار امارات، اسرائیل، اردن و عربستان به آمریکا برای حفظ بقای حسنی مبارک در قدرت خبر داد. این روزنامه می‌نویسد: «تمام این کشورها نسبت به تغییر ناگهانی و تأثیر آن بر بی‌ثباتی و خطر برای رهبران این کشورها نگران هستند». (Lander and Cooper, 2011) همچنین روزنامه مصری الیوم السابع، از تماس تلفنی ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه عربستان با باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا خبر داده که طی آن پادشاه عربستان در خصوص اعمال فشار بر حسنی مبارک هشدار داده است. پادشاه عربستان عنوان داشته است که باید به مبارک اجازه دهند بر روند انتقال قدرت در مصر نظارت داشته باشد. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ ب)

این گذاره‌ها نشان می‌دهد که حفظ مبارک و همچنین نظام منتسب به وی چقدر برای آل‌سعود حایز اهمیت بوده است. با سقوط مبارک آل‌سعود تلاش می‌کند تا بازیگری خود در مصر را از طریق ابزارهای دیگری جستجو کند.

ب) ممانعت از پیروزی انقلابیان در انتخابات

با سقوط مبارک، آل‌سعود کوشید تا خلأ ناشی از نبود مبارک را از طریق حمایت از گروه‌های میانه‌رو و مرتبط با ساختار سابق پر کند. در این میان می‌بینیم که عربستان تلاش دارد تا در انتخابات پارلمانی مصر و همچنین ریاست جمهوری از کسانی حمایت کند که از بازیگران نظم سابق‌اند و یا می‌توانند در آینده به عنوان یک ابزار مورد بهره‌برداری قرار گیرند. بنابراین عربستان در وهله اول از احمد شفیق آخرین نخست‌وزیر دوران مبارک در انتخابات ریاست جمهوری و همچنین در انتخابات پارلمانی از گروه‌های سلفی حمایت کرد. در این زمینه روزنامه آمریکایی واشنگتن پست درباره احمد شفیق که آخرین نخست‌وزیر حسنی مبارک و نامزد انتخابات ریاست جمهوری مصر بود، می‌نویسد: «احمد شفیق ستون فقرات و تکیه‌گاه رژیم مبارک است». (Fadel, 2012)

بررسی اخبار زمان انتخابات ریاست جمهوری مصر، نشان می‌دهد که شورای نظامی، به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام سابق نیز تلاش دارد تا احمد شفیق پیروز این انتخابات باشد. (روزنامه المصریون، ۲۰۱۲: منبع اینترنتی) همچنین عربستان می‌کوشد تا از ابزارهای موجود در مصر برای مقابله با پیروزی محمد مرسی اقداماتی را در دستور کار قرار دهد. یکی از این دخالت‌ها نامه سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان به سفارت این کشور در مصر است که طی آن از سفیر خواسته شده که «به هر شکل ممکن» مانع روی کار آمدن اسلامگرایان در مصر شوند. سعود الفیصل در این دستورالعمل آورده است:

بنابر تأکید ویژه خادم حرمین شریفین، از شما می‌خواهیم که همه تلاش خود را به کار گیرید تا مانع پیروزی کاندیداهای اسلام‌گرا به خصوص محمد مرسی شوید؛ چراکه اخوان المسلمون خطر حقیقی برای ماست و مایل نیستیم که آنها به قدرت برسند؛ زیرا در این صورت ما جایگاه خود را در رهبری جهان عربی و اسلامی از دست خواهیم داد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱ الف)

این در حالی است که پیش از آن نیز اخباری از ارتباط احمد شفیق با عربستان منتشر شده بود. پایگاه خبری نهرین‌نت سه روز پیش از این نامه، طی گزارشی تحت عنوان «تمجید احمد شفیق از ملک عبدالله» نوشت: در راستای تحرکات آشکار و پنهان احمد القطان، سفیر عربستان سعودی در قاهره و دیدارهای وی با سیاستمداران و شخصیت‌های رسانه‌ای مصری، وی با احمد شفیق، آخرین نخست‌وزیر حسنی مبارک نیز دیدار کرد. در این دیدار احمد شفیق از عبدالله بن عبدالعزیز به پاس حمایت‌هایش از مصر و مردم آن قدردانی کرد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱ ب)

ج) تطمیع، تهدید و بهره‌گیری از احزاب سلفی

اما با همه تلاشی که عربستان پس از انقلاب به کار برد، نتوانست آنگونه که باید و شاید بر انقلاب و روندهای آن تأثیر بگذارد. تلاش عربستان برای پیروزی احمد شفیق نتیجه نداد و محمد مرسی موفق شد با ۵۱/۷۳ درصد آرا رئیس جمهور مصر شود. (bbc, 2012) همچنین این نیروهای اخوانی بودند که توانستند در انتخابات پارلمانی پیروز میدان شوند. بنابراین عربستان فاز سوم مقابله با انقلاب مصر تا پیش از سقوط محمد مرسی را در پیش گرفت که در سه مؤلفه تطمیع، تهدید و بهره‌گیری از احزاب سلفی قابل بررسی می‌باشد.

۱. تطمیع دولت نوپا

در این زمینه اخبار متعددی از وام‌های کلان اقتصادی عربستان به مصر و سفر مقامات بلندپایه مصری به عربستان به گوش می‌رسد. گوئی‌دو اشتینبرگ، در این زمینه عنوان می‌کند:

سعودی‌ها به طور سنتی با پرداخت پول و دادن وعده پول تأثیرگذاری خود را افزایش می‌دهند. به عنوان مثال در مصر، سعودی‌ها به شورای عالی نظامی کمک مالی می‌کنند؛ شورایی که نماینده رژیم حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری ساقط شده مصر است.

این کارشناس مسائل عربستان می‌افزاید:

برای دهه‌ها، مبارک نزدیک‌ترین متحد عربستان سعودی در خاورمیانه محسوب می‌شد. بسیاری از مصری‌ها برای یافتن شغل به عربستان می‌رفتند و از طرف دیگر سعودی‌ها از سفر به سرزمین فراعنه لذت می‌بردند. ریاض همچنین میلیاردها دلار در اقتصاد مصر سرمایه‌گذاری کرد و هم‌اکنون نیز به دنبال ادامه تأثیرگذاری خود بر پرجمعیت‌ترین کشور عرب جهان است، حتی اگر بهار عربی کارتهای سیاسی را جابه‌جا کرده باشد. (خبرگزاری ایسنا: ۱۳۹۰ هـ)

به گفته یک کارشناس مسائل عربستان، این کشور حتی فراتر از شبه جزیره عربستان رهبری جبهه گسترده‌ای که «ضد انقلاب» نام گرفت را بر عهده گرفت. عربستان به مصر ۴ میلیون دلار کمک کرد تا نظم تازه ایجاد شده پسا مبارک را تقویت کند و از رادیکالیزه شدن انقلاب جلوگیری کند. عربستان همچنین پیشنهاد داد تا اردن و مراکش نیز به شورای همکاری خلیج فارس پیوندند و در همین حال دستانش را در یمن نیز نگاه داشت. (MacFarquhar, 2011: 1)

۲. تهدید

در کنار این اقدامات حمایتی و تطمیعی، شاهد آن هستیم که عربستان از تهدید مصر به اخراج کارگران مصری از کشورش ابایی ندارد. شمار کارگران خارج از مصر تا سال ۲۰۰۷ بیش از ۲/۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شد که با توجه به تحولات اخیر این رقم افزایش نیز یافته است. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که برخی از کارشناسان یکی از منابع درآمد ارزی مصر را کارگران مصری شاغل در خارج کشور تلقی می‌کنند. (هرمزی، ۱۳۸۷: ۳۸۳)

همچنین متغیرهای اقتصادی زمانی بیشتر معنا می‌یابد که بدانیم اوضاع مصری‌ها به لحاظ اقتصادی بیش از حد تصور وخیم است. توزیع نامتعادل درآمد در دوره انور سادات، رئیس جمهور سابق مصر، بر اساس «سیاست اقتصادی درهای باز» یکی از دلایل عمده و بنیادین تحول اجتماعی در جامعه مصر بوده است. شواهد آماری نیز حاکی از ایجاد روبه رشد غنی و فقیر بوده است. در دوره یازده ساله زمامداری سادات، شکاف توزیع درآمد بسیار فاحش بود. یوسف القعید، یکی از روشنفکران مصری، گروه‌های برنده از سیاست‌های درهای باز را با نام «طبقه چتربازان توصیف می‌کند. این روند در دوره مبارک از ۱۹۸۱ تا زمان سقوط وی نیز ادامه داشته است. (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

علاوه بر این باید از مؤلفه‌ای دیگری به نام تورم نام برد. در نتیجه سیاست‌های خصوصی‌سازی سادات و مبارک و سیاست تعدیل اقتصادی، تورم، روندی فزاینده داشته؛ تورمی که بار سیاسی داشته است و در نتیجه آن، شورش‌هایی در سراسر کشور به وقوع پیوسته که به شورش‌های «گرسنگی و نان» مرسوم شد. (احمد، ۱۳۶۷: ۲۲)

همچنین صندوق بین‌المللی پول در گزارش «چشم‌انداز اقتصاد جهانی» خود که در آوریل ۲۰۱۲ منتشر شد، پیش‌بینی کرد نرخ رشد اقتصادی مصر در این سال به یک درصد کاهش یابد در حالی که پیش‌بینی قبلی پیش از اعتراضات مردمی، شش درصد بود.

لذا عامل اقتصادی همواره می‌تواند به مثابه یک «پاشنه آشیل» در روابط مصر و عربستان خودنمایی کند و عربستان نیز به خوبی از این ابزار بهره می‌برد. درست همین جاست که سخن از کمک‌های مالی عربستان به مصر به میان می‌آید. در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۹۰ خبرگزاری شینهوا به نقل از حسین طنطاوی، رییس شورای عالی نیروهای مسلح مصر اعلام می‌کند: عربستان چهار میلیارد دلار کمک به شکل وام‌های کم بهره و خط اعتبار را

به مصر داده است. (Xinhua.net, 2011) در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ احمد القطان، سفیر عربستان در مصر با تأکید بر اینکه هیچ گونه بحرانی هم اکنون میان دو کشور عربستان و مصر وجود ندارد، عنوان می‌کند:

پادشاه عربستان دستور داده تا ۵۰۰ میلیون دلار در قالب کمک‌های سالانه عربستان به مصر در ماه ژوئن به مقامات مصری تحویل داده شود. این کمک‌ها بخش اول کمک چند میلیارد دلاری عربستان به مصر است که برای حمایت از بودجه مصر از سوی عربستان به این کشور وعده داده شده است. (مفکره الاسلام: ۲۰۱۲)

یک هفته بعد، خبرگزاری رویترز از واریز یک میلیارد دلار به بانک مرکزی مصر توسط عربستان سعودی خبر می‌دهد. براساس گزارش خبرگزاری رویترز، این یک میلیارد دلار یک سپرده بلند مدت ۸ ساله از سوی ریاض به بانک مرکزی مصر است. یک میلیارد دلار دیگر به صورت کمک‌های بلاعوض در پروژه‌های عمرانی مصر از سوی عربستان پرداخت می‌شود. یک میلیارد دلار دیگر نیز به صورت وام به این کشور پرداخت خواهد شد. (Reuters, 2012) سفر محمد مرسى به عربستان نیز در همین راستا صورت می‌گیرد. اقدامی که به گفته شبکه خبری الجزیره در آن «توافقی‌هایی میان دو طرف امضا شد که به موجب آن عربستان سقف سرمایه‌گذاری‌های خود را در مصر افزایش می‌دهد و به اتباع بیشتری از این کشور اجازه می‌دهد تا برای جستجوی فرصت‌های شغلی به عربستان سفر کنند». (الجزیره، ۲۰۱۲)

۳. بهره‌گیری از احزاب سلفی

در کنار بهره‌گیری عربستان از ابزارهای اقتصادی، عربستان کوشید تا از طریق احزاب سلفی اهداف خود در مصر را مورد پیگیری قرار دهد. گفته می‌شود این گروه که اینک خود را در قالب «جماعت النور» بازتولید کرده‌اند، از نظر کمی بعد از اخوان المسلمین، بزرگترین گروه به شمار می‌آیند که متأثر از سنت حنبلی و ابن‌قیم جوزیه و اخیراً محمد بن عبدالوهاب هستند. اندیشه‌های این احزاب متأثر از سلفی‌های عربستان است و از جانب آنان به طور مستمر کمک‌های مالی دریافت می‌کنند که صرف ترویج اندیشه سلفی می‌شود و سرمایه‌های سعودی باعث شده است که بازار انتشار کتاب مصر در دست سلفی‌ها باشد. (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۴۰) محمد ابوزهره در بیان عقاید این نحله در کتاب *تاریخ المذاهب الاسلامیه* می‌نویسد: «هر عملی که در زمان پیامبر وجود نداشته و انجام نمی‌شده است بعداً نیز نباید انجام شود».

ابن تیمیه، فقیه و متکلم حنبلی از این اصل سه قاعده کلی دیگر استخراج و استنتاج کرده: اول هیچ فرد نیکوکاری یا دوستی از دوستان خدا را نباید وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خدا قرار داد؛ دوم به هیچ زنده و مرده‌ای نباید پناه برد و از هیچ کس نباید یاری خواست و سوم به قبر هیچ پیغمبر یا فرد نیکوکاری نباید تبرک جست یا تعظیم کرد. (دین پرست، ۱۳۸۴: ۶۴) به طور خلاصه محورهای اصلی تعالیم این جماعت را می‌توان در مؤلفه‌های سه‌گانه «مبارزه با شرک و خرافات و بازگشت به اسلام سلف و صالح (که خود را در

این جمله ابن عبدالوهاب یعنی من شما را به سوی توحید و یکتاپرستی فرا می‌خوانم و می‌خواهم شرک را کنار بگذارید (محسن، ۱۳۵۷: ۸)، «مخالفت با عقل، اجتهاد، تفسیر قرآن، تصوف و عرفان و هر گونه نوآوری با عنوان بدعت» و «وحدت و خلافت دینی - عربی و ضدیت با ترکان عثمانی» مورد ملاحظه قرار داد. (موثقی، ۱۳۷۸: ۱۷۰ - ۱۶۱)

جمعیت‌های سلفی در مصر قبل از انقلاب مصر را شامل گروه‌های جمعیت سلفیه، جمعیت جهاد، جمعیت اسلام و جمعیت تکفیر دانسته‌اند. (دین پرست، ۱۳۸۴: ۷۱) برخی نیز برآنند که جمعیت‌های سلفی در مصر، در ۵۰ سال گذشته بالغ بر ۲۵ سازمان و گروه بودند که با نام‌ها و عناوین مختلف فعالیت می‌کردند که می‌توان به جنبش صالح سریه، جند الرحمن، التوقف والتبیین، الأماره، البیعه، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السماویه، الدعوه، القطیبون اشاره کرد. (خسرو شاهی، ۱۳۹۰)

تا پیش از انقلاب مصر، محور فعالیت‌های سلفی‌ها، مسایل فرهنگی علیه شیعیان و دعوت زنان به حفظ حجاب و به طور کلی، حرکت در چهارچوب نظام نه علیه آن بود؛ زیرا آنان قیام علیه اولی‌الامر و نخبگان سیاسی را جایز نمی‌دانستند، حتی اگر فاسق باشند. (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۴۰)

گفته می‌شود فعال‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه‌های سلفی در دوران سادات و مبارک «جماعت المسلمین» است که بعدها به جماعت «التکفیر و الهجره» معروف شد. آنها علاوه بر حاکمیت، کل جامعه را جاهل و خارج از دین خدا می‌دانستند. بنابراین از اعضای خود می‌خواستند از شهرها به روستاها یا کوه‌ها کوچ کنند. همزمان با فعالیت جماعت المسلمین در قاهره سازمان «جهاد اسلامی» هم در اسکندریه با اندیشه سلفی افراطی، به رهبری احمد صالح عامر تأسیس شد که پس از مدتی تمامی اعضای آن دستگیر و به دادگاه فرستاده شدند. پس از انحلال این سازمان در سال ۱۹۸۰ میلادی، گروه جهاد اسلامی دوم به وجود آمد که فقط نامی از آن اعلام شد، اما گروه جهاد اسلامی سوم به رهبری محمد عبدالسلام فرج به وجود آمد که او رساله «الفریضه الغائبه» را منتشر کرد و هجرت از شهرها را نپذیرفت. ولی جهاد بر ضد حاکمان را واجب اعلام نمود. (خسرو شاهی، ۱۳۹۰)

با پیروزی انقلاب مصر این احزاب فعالیت سیاسی خود را از سر گرفته و به گفته بسیاری از کارشناسان، عربستان از این گروه به خوبی برای اهداف خود بهره می‌برد. پیش از انقلاب مصر، هواداران سلفی‌گری، خود را از هرگونه فعالیت سیاسی کنار کشیده و حتی بعضی از فرقه‌های آن، قیام علیه حسنی مبارک را حرام اعلام کردند، اما ناگهان و با احساس پیروزی انقلاب به صحنه آمدند و چندین حزب تأسیس کرده که حزب «النور» و حزب «الفضیله» و حزب «الاصلاح» مصر از عمده‌ترین آنهاست و هر کدام هم روزنامه‌ای به عنوان ارگان خود منتشر می‌سازد. اغلب گروه‌های سلفی مصر از حمایت‌های مالی و سیاسی آل سعود برخوردارند و چند صد میلیون دلار برای پیروزی آنان در انتخابات به این گروه‌ها کمک مالی کرده‌اند و اگر این حمایت‌ها و کمک‌ها

نبود سلفی‌ها نمی‌توانستند به این موفقیت چشمگیر در انتخابات برسند، ولی پول نفت آل سعود و آل شیوخ منطقه خلیج فارس به مصر سرازیر شد، در دورترین و محروم‌ترین نقاط کشور بین نیازمندان توزیع گشت و آنها توانستند آرای آنها را به سوی خود جلب کنند. (خسروشاهی، ۱۳۹۰)

در همین زمینه، دبیر کل ناصری‌های مصر عنوان می‌دارد که عربستان از سلفی‌های وهابی در مصر که در خدمت طرح‌های استعماری ریاض هستند، حمایت مالی می‌کند. «صلاح دسوقی» همچنین عنوان می‌کند:

سلفی‌های وهابی پس از انقلاب مصر و خلع حسنی مبارک به ظاهر به مردم پیوستند و در میدان التحریر حضور پیدا کردند در حالی که پیش از انقلاب مردم مصر شاهد حضور سلفی‌ها در صحنه نبودیم بلکه آنها همواره حامی رژیم حاکم بودند. به گفته این فعال سیاسی مصری وهابی‌گری از طریق مصری‌هایی که طی سالیان پیش در کشورهای نفت‌خیز به ویژه عربستان کار می‌کردند، وارد مصر شده است. (العالم، ۱۳۹۰)

لذا ملاحظه می‌شود که عربستان برای نفوذ در انقلاب مصر و همچنین ممانعت از رادیکال شدن فرایندهای انقلاب چگونه از طریق ابزارهای خود این اقدامات را صورت می‌بخشد. در پایان این بخش به تحلیل روزنامه گاردین در خصوص بازیگری عربستان در قبال انقلاب مصر و در تشریح رفتار دولت ریاض بسنده می‌کنیم. این روزنامه در تشریح این رفتار می‌نویسد:

پس از سرنگونی مبارک در ۱۱ فوریه، عربستان تلاش کرد انقلاب مصر را از سه جهت به شکست بکشاند: اول، ایجاد آشوب داخلی برای متوقف کردن روند تغییر. این امر با توجه به راه یافتن گروه‌های تکفیری وفادار به عربستان به مصر و انجام عملیات بمب‌گذاری و انفجار در کلیساها برای ایجاد فتنه میان مسلمانان و قبطی‌ها و نیز منفجر کردن اماکن مقدس برای برانگیختن فتنه‌های مذهبی کاملاً مشخص است. دوم، نزدیک شدن به مسئولان جدید مصر برای حفظ ساختار رژیم سرنگون شده و ابقای برخی عناصر این رژیم و جلوگیری از محاکمه و بازخواست و طرح پرونده‌های مسئولان سابق که سرشار از مسائل فساد، سرقت و هدر دادن اموال عمومی است و سوم، تلاش برای کودتا علیه انقلاب، با استفاده از کند بودن روند تغییر و ایجاد اختلاف میان دو گروه طرفدار تغییر و گروه خواهان فعالیت مجدد عناصر رژیم سرنگون شده که هنوز پایگاه‌های خود را در داخل دولت مصر حفظ کردند.

به گفته گاردین:

مطرح کردن اختلافات و مشکلات گذشته در میدان التحریر و اختلاف میان ارتش و مردم، تهدید ریاض به اخراج حدود یک میلیون کارگر مصری، تلاش برای تأثیرگذاری بر مردم مصر با منتشر کردن پیام مبارک از طریق شبکه العربیه برای نشان دادن وی به عنوان فردی مظلوم و بی‌گناه از دیگر ابزارها و اقدامات ریاض برای مقابله با انقلاب مصر است. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ د)

عربستان و انقلاب بحرین

بر خلاف آنچه که در مصر گذشت و انقلابیان موفق شدند حسنی مبارک را سرنگون کنند، در بحرین اوضاع متفاوت بود. موقعیت جغرافیایی، ساختار جمعیتی، عدم مشارکت شیعیان در مراکز اساسی قدرت و استقرار مرکز فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا، از جمله عواملی هستند که زمینه بروز اعتراضات سیاسی در این کشور را به وجود آوردند. (امیر عبداللہیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸) برخی نیز معتقدند که انقلاب اسلامی در ایران فاز ابتدایی آزادسازی سیاسی در بحرین را رقم زد و این امر در دهه‌های بعدی تداوم یافت. آنچه در این میان قابل تأمل است، ریشه‌دار بودن اعتراضات اجتماعی در بحرین است که برخی آن را تا سال ۱۸۹۵ به عقب می‌برند. (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۵۰) عملکرد عربستان در فضای انقلابی بحرین در یک نمای کلی در دو مؤلفه قابل بررسی است: الف) دخالت مستقیم نظامی و سرکوب بی‌رحمانه ب) تلاش برای الحاق بحرین به خاک خود.

الف) دخالت مستقیم و سرکوب

هر چند که ولیعهد بحرین مدعی بود که آنچه که در تونس و مصر گذشته در بحرین رخ نمی‌دهد، (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ الف) اما موج انقلاب‌های عربی به بحرین هم رسید. تظاهرات از ماه‌های منتهی به سال ۲۰۱۱ در بحرین کم‌کم آغاز شد؛ تظاهراتی که به گفته رابرت فیسک تحلیل‌گر روزنامه ایندپندنت، تظاهرات‌کنندگان آن «دیگر از مرگ نمی‌ترسند و سینه‌های خود را در برابر گلوله سپرمی کنند». (fisk, 2011)

ولیعهد این کشور در تاریخ ۱۱ اسفند به عربستان سفر کرد و در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ هزاران سرباز عربستانی در قالب نیروهای «سپر شبه‌جزیره عربی» وارد بحرین شدند تا به گفته خودشان «مسئولان این کشور را در حفظ امنیت کمک کنند». (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ ج) انقلابیان بحرینی مانند انقلابیون مصری کوشیدند تا میدان لؤلؤ را همانند میدان التحریر به تسخیر درآورند اما اوج گرفتن انقلاب سبب شد که آل خلیفه دست به دامان مقامات عربستانی بشود. واکنش دولت بحرین به تظاهرات که در آن با اکثریت شیعه مواجه بود بسیار وحشیانه و قاطعانه بود. (Kristof, 2011)

لازم به ذکر است، تشکیل نیروهای سپر جزیره در چارچوب استراتژی دفاع مشترک خلیج فارس تحت عنوان «امنیت و استقرار منطقه» که در ششمین اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۵ در مسقط به تصویب رسید قابل بررسی است. به موجب این استراتژی یک نیروی مرکب نظامی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در جهت حمایت از امنیت و اسقرار خود تشکیل شد. این اعضا نیروی مشترکی به نام نیروهای «سپر جزیره» مرکب از ۴۵۰۰ نفر را تشکیل دادند و در شهر حفر الباطن عربستان نزدیکی مثلث واقع در مرز مشترک عربستان، کویت و عراق مستقر شدند. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۰۱ - ۹) همچنین باید گفت که زمینه‌های عملیاتی ارسال نیروی عربستان به بحرین در زمان تهدید در سال ۱۹۸۶ برمی‌گردد. در این سال یک پل ارتباطی بین بحرین و عربستان برقرار شد که این امر در راستای اهداف

ژئوپلتیکی عربستان برای کنترل و تسلط بر آن است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۶۷)

به واقع اگر عربستان در مصر تلاش کرد تا از ابزارهای دیپلماتیک مانند نفوذ در ارکان قدرت، حمایت از احمد شفیق و یا ابزارهای اقتصادی مانند ارائه کمک‌های مالی و یا تهدید به اخراج کارگران مصری منافع خود را تأمین کند، در بحرین شاهد آن بودیم که مقامات آل سعود بالاترین حد مداخله یعنی توسل به خشونت برهنه را در دستور کار خود قرار می‌دهد. به تعبیری رژیم آل سعود روشن ساخت که بحرین یک «خط قرمز» است و آن را به عنوان حیاط خلوت خود شناخته است. (Nolan, 2011: 8)

یک تحلیل‌گر غربی در بررسی رفتار عربستان در این زمینه می‌نویسد:

حاکمان سنی مذهب آل خلیفه اپوزیسیون را سرکوب و با انجام یک برنامه تحریک آمیز در صد تغییر توازن جمعیتی این کشور برآمدند. آنها همچنین خواسته‌های معقول گروه‌های مخالف را که خواستار افزایش قدرت پارلمان است را نادیده گرفتند. تقاضای اصلی مخالفان بحرین دیرینه و روشن است: انتقال برخی از قدرت از کاخ به پارلمان منتخب. (Dunne, 2011)

به رغم آنکه عربستان برای کمک به نیروهای آل خلیفه نیروهای نظامی را گسیل داشت، اما عربستان در کنار این اقدام کوشید تا اختلافات شیعه و سنی را دامن بزند. (Kamrava, 2011: 99) عربستان با این اقدام به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پیغام داد که رهبری مقابله با نفوذ امواج نفاق‌افکنانه انقلاب به شبه جزیره عربستان را بر عهده دارد. به گفته خبرنگار «تایم او لندن»، عربستان اعلام کرد که از نفوذ و پول و زور برای خاموش کردن آتش منطقه‌ای بهره می‌گیرد. (beeston, 2011: 3) در کنار این، سعودی‌ها تلاش کردند که ایران را به عنوان متهم اصلی حوادث بحرین معرفی کنند. گرگوری گاس تحلیل‌گر غربی در این زمینه می‌نویسد: «سعودی‌ها هنوز هم بازیکنان منحصر به فرد در یمن و بحرین هستند با این وجود آنها نسبت به دخالت ایران در هر دو کشور هشدار می‌دهند.» (Gause, 2012)

دلایل این اقدام عربستان را می‌توان در همجواری بحرین با مناطق شیعه‌نشین عربستان، یعنی قطیف و الاحساء دانست. منطقه شیعه‌نشین و نفت‌خیز الشرقیه شامل دو ناحیه «احسا و قطیف» و بندرهای نفتی «الدمام و الخبر» از نظر تاریخی به بحرین قدیم تعلق دارد. همچنین شیعیان در عربستان تقریباً دو میلیون نفر و حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. (بی‌نا، ۱۳۸۶: ۱۶۷) کارشناسان، منطقه شرقی عربستان را نبض اقتصادی، ریاض را به عنوان هسته و پایتخت سیاسی و محل تمرکز درآمدهای نفتی و حجاز را دارای نقش حساس و در عین حال ممتاز بازرگانی و پذیرایی زائران می‌دانند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۷۶) به همین دلیل می‌توان گفت که عربستان پیش‌بینی کرده است که گسترش ناآرامی در بحرین می‌تواند زمینه‌ساز شورش‌های داخلی نیز بشود.

البته می‌توان اتخاذ چنین رویکردی را در سال‌های پیش هم مورد ملاحظه قرار داد. برای مثال عربستان

در سرکوب جنبش النهضه تونس و همچنین جبهه نجات اسلامی الجزایر نقش فعالی داشته است. (بوید، ۱۳۸۰: ۱۹۷-۱۹۶) به هر ترتیب شاهد آن بودیم که سعودی‌ها تمام توان خود برای سرکوب انقلابیان، که به عمد به خارج از مرزها وصل می‌شدند را به کار گرفت و به تعبیر رابرت فیسک، نویسنده ایندپندنت و به نقل از مقامات سعودی «انقلاب حنین» را منکوب و «مفسدان فی الارض را به طور بی‌رحمانه سرکوب کند». (fisk, 2011)

ب) تلاش برای الحاق بحرین به خاک عربستان

همان طور که گفته شد، فاز دوم اقدامات عربستان در بحرین تلاش این بازیگر برای الحاق بحرین به خاک خود است. اقدامی که نشان می‌دهد عربستان به رفتارهای سرکوب‌گرایانه در همسایگی‌اش بسنده نمی‌کند. نشانه‌های ابتدایی این تصمیم مقامات سعودی را می‌توان از خرداد سال ۱۳۹۰ مشاهده کرد. در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۹۰ رسانه‌ها از دستور پادشاه عربستان به پادشاه بحرین برای تغییر نام و پرچم این کشور خبر دادند. در این زمینه مسئولان عربستان از پارلمان بحرین خواستند تا در خصوص تغییر پرچم به بهانه آغاز مرحله جدید در تاریخ بحرین و نیز در خصوص پیشنهاد تغییر نام بحرین به نام «المملكة العربية الخلیفیه» (پادشاهی عربی آل خلیفه) تصمیم‌گیری کنند. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ الف) پس از این در تاریخ ۴ مهر ۱۳۹۰ شاهد سفر پادشاه بحرین به عربستان هستیم. در این سفر به گفته مسئولان دو کشور، «مسائل مشترک و تحولات منطقه بحث و بررسی شد».

در فردای آن روز حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین در پی دیدار با شاه سعودی عنوان می‌کند که «تحولات منطقه‌ای، عربی و بین‌المللی بر کشورهای منطقه تأثیرگذار است، لذا رایزنی در زمینه تمامی تحولات به منظور اتخاذ موضعی که حافظ منافع دو کشور باشد، الزامی است». همچنین حمد بن عیسی در مراسم افتتاح پارلمان این کشور بار دیگر از اقدام عربستان در سرکوب انقلابیان اینگونه تقدیر کرد: «بحرین از حمایت سیاسی برادران خود در کشورهای حوزه خلیج فارس برخوردار است». در آبان ماه همین سال، منابع خبری از برگزاری مانور مشترک دو کشور بحرین و عربستان خبر دادند. به گفته مسئولان بحرینی این رزمایش مشترک دریایی با عنوان «پل ۱۳» با هدف «بالا بردن سطح همکاری و هماهنگی میان نیروهای دریایی و تبادل تجربه‌های نظامی بین ارتش دو کشور» صورت گرفت. در کنار این اقدامات، شاهد حمایت‌های مداوم مسئولان عربستانی از نظام بحرین و همچنین اقدام سرکوب‌گرایانه در بحرین هستیم. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ ب)

در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۰ شاهد اوج رسیدن این مراودات هستیم؛ جایی که بحث «اتحایه خلیج فارس» از طرف پادشاه عربستان مطرح می‌شود. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ ج) عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان در سخنانی در افتتاحیه نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در ریاض، با بیان اینکه «بدون شک همه ما می‌دانیم که از لحاظ امنیتی هدف قرار گرفته‌ایم»، عنوان داشت: «ما از همه کشورهای

عضو شورای همکاری خلیج (فارس) می‌خواهیم تا روابطشان از مرحله همکاری به مرحله اتحاد تحت یک نظام و ساختار واحد ارتقاء دهند». پس از این بود که زمزمه‌ها از اتحاد دو کشور بحرین و عربستان به گوش رسید. در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۱ منابع آگاه در شورای همکاری خلیج فارس فاش کردند که این شورا مسئله «اتحاد میان عربستان و بحرین» را در نشست آتی خود در دستور کار قرار می‌دهد. در ۲۵ اردیبهشت همان سال نخست وزیر بحرین با تأکید بر ضرورت وجود «اتحاد» میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس عنوان داشت که باید سیستم امنیتی برای حمایت از ثبات و امنیت این کشورها ایجاد شود. خلیفه بن سلمان آل خلیفه، نخست وزیر بحرین با بیان اینکه «اولویت شورای همکاری خلیج (فارس) باید تحقق امنیت به معنای گسترده آن و افزایش هماهنگی‌های امنیتی، نظامی و دفاعی میان این کشورها باشد»، گفت: «باید با هرگونه خلاء امنیتی که ثبات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مبارزه کرد». همچنین سمیره رجب، وزیر اطلاعات رسانی بحرین در این زمینه عنوان می‌دارد: «دولت بحرین با ایجاد اتحاد میان منامه و ریاض در چهار محور امنیت، دفاع، اقتصاد و امور خارجه موافقت کرده است».

روزنامه نیویورک تایمز هم در گزارشی در خصوص بحث اتحادیه خلیج فارس می‌نویسد: «عربستان تلاش کرد تا با تحت فشار قرار دادن پنج همسایه خود در حوزه خلیج فارس فدراسیونی را تشکیل دهد. این اقدام در راستای سیاست‌های پادشاهی محافظه‌کار ملک عبدالله بن عبدالعزیز انجام شد که به دنبال ساخت سنگری در برابر موج تغییرات سریع در خاورمیانه است» (Fahim and Kirkpatrick, 2012). تحلیل‌گر غربی دیگر نیز در این زمینه می‌نویسد:

در حالی که ایده ایجاد اتحادیه خلیج فارس با شک و تردید بسیاری از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و تظاهرات شیعیان در بحرین را برانگیخت، این ایده در خاندان محافظه‌کار حاکم بر بحرین با استقبال مواجه شد. ... طرح وحدت وسیله‌ای برای خاندان آل سعود برای تقویت متحدان محافظه‌کارانه خود در خانواده آل خلیفه است. (Wehrey, 2012)

هر چند این اقدام با واکنش‌های شدید داخلی و خارجی مواجه شد اما این اعتراض‌ها در پیگیری اهداف عربستان در خاک کشور همسایه خللی ایجاد نکرد. خاصه آنکه مقامات بحرینی نیز امنیت خود را در پیوند با سعودی‌ها جستجو می‌کردند. برای مثال به رغم همه اعتراض‌ها به بحث الحاق بحرین به عربستان، پادشاه بحرین در ۱۰ خرداد ۱۳۹۱ اعلام کرد که «بحرین و عربستان یک کشور واحد هستند که از هم جدا نخواهند شد.» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۱)

لذا می‌بینیم که عربستان چگونه در بحرین با اقدامات خود در دو فاز، یعنی سرکوب شدید و همچنین طرح‌های فرامرزی در صدد بر می‌آید تا با انقلاب بحرین مقابله کند. اتفاقی که همچنان در جریان است و انتظار می‌رود عربستان تا زمانی که انقلابیان بحرین به اعتراضات ادامه دهند، این روند را ادامه دهد.

نتیجه

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، بازشناسی رفتار عربستان در پرتو تحولات اخیر منطقه غرب آسیا بود. در این مقاله تلاش شد تا سیاست خارجی عربستان مبتنی بر «محافظه‌کاری تهاجمی» در قبال دو کشور مصر و بحرین مورد بررسی قرار بگیرد. به تعبیری تلاش شد تا این نکته بیان شود که این سیاست شقوق مختلفی داشته و بروز و ظهورش در دو کشور مصر و بحرین متفاوت بوده است. در همین راستا گفته شد عربستان کوشیده تا در مصر در وهله اول از ارکان نظام سابق حمایت کند. حمایت از گروه‌هایی که طرفدار نظم سابق بوده‌اند، شق اول بازیگری عربستان در مصر بوده است. اتخاذ سیاست تطمیع و تهدید مانند اعطای وام‌های کلان و همچنین تهدید به اخراج کارگران مصر، شق دوم رفتار عربستان در مصر را نشان می‌دهد. حمایت از احزاب سلفی نیز سومین اقدام عربستان در قبال مصر بوده است.

در مقابل این رفتار گفته شد که عربستان، در بحرین رفتاری متفاوت را در پیش گرفت و بالاترین حد مداخله یعنی بهره‌گیری از نیروی نظامی را برای سرکوب انقلابیان بحرین در دستور کار خود قرار داد. بعد از این عربستان کوشید تا از طریق مطرح کردن بحث‌هایی چون الحاق بحرین به خاک خود و یا ایجاد اتحادیه خلیج فارس سیاست‌های خود را پیش ببرد که تاکنون محقق نشده است.

منابع و مأخذ

۱. احمد، محمد، ۱۳۶۷، «رشد بنیادگرایی اسلامی در مصر»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۸.
۲. امیرعبداللهیان، حسین، ۱۳۹۰، «ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵۲، تابستان، شماره دوم، سال چهاردهم.
۳. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۶، «چهارچوبی مفهومی برای فهم تحولات سیاسی مصر»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، سال نهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان.
۴. بوید، آندره، ۱۳۸۰، *اطلس روابط بین‌الملل*، ترجمه حسین حمیدی نیا، تهران، وزارت امور خارجه.
۵. بی‌نا، ۱۳۸۶، *اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی (تأثیر بحران عراق بر تحولات سیاسی عربستان سعودی)*، ترجمه محسن یوسفی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۶. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، *پراورد استراتژیک عربستان*، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۷. درایسدل، آلاسدر و جرالدچ بلیک، ۱۳۶۹، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دوره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. دین پرست، منوچهر، ۱۳۸۴، «سفر وهابیت به مصر»، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، سال چهارم، شماره ۳۳، خرداد.

۹. عظیمی، رقیه السادات، ۱۳۷۴، عربستان سعودی، تهران، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. فقیهی، علی اصغر، ۱۳۵۲، وهابیون، بی جا، انتشارات صبا، چ اول.
۱۱. کدیور، جمیله، ۱۳۷۳، مصر از نگاهی دیگر، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۲. مجتهدزاده، بیروز، ۱۳۷۳، «در بحرین چه می گذرد؟»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۷ و ۸۸ آذر و دی.
۱۳. محسن، امین، ۱۳۵۷، تاریخچه و نقد و بررسی عقاید و اعمال وهابی ها، ترجمه سید ابراهیم علوی، تهران، بی نا.
۱۴. موثقی، احمد، ۱۳۷۸، جنبش های اسلامی معاصر، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. موسوی، سید حسین، ۱۳۹۰، «رویدادهای اخیر مصر و پویایی انقلاب»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم، پاییز.
۱۶. نعیمی ارفع، بهمن، ۱۳۷۰، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۷. نوگت، جفری و تئودور توماس، ۱۳۶۹، بحرین و خلیج فارس، ترجمه همایون الهی، تهران، نشر قومس.
۱۸. هرمزی، شانی، ۱۳۸۷، «سیاست خارجی آمریکا و روند اصلاحات اقتصادی در مصر و عربستان»، فصلنامه راهبرد، شماره چهل هفتم، تابستان.
۱۹. وردانی، صالح، ۱۹۸۶، الحركات الاسلامیه فی مصر. قاهره، البرایه.

سایت

۲۰. الجزیره، ۲۰۱۲، مرسی یختم زیارتہ للسعودیة، قابل مشاهده در سایت:
<http://www.aljazeera.net/news/pages/9d1f252e-3208-4e0e-8431-ed1c3297a51a>
۲۱. خبرگزاری اکو، ویدئو اشتینبرگ، ۲۰۱۲، تأثیرگذاری های عربستان با درآمدهای نفتی، قابل مشاهده در:
<http://econews.ir/fa/NewsContent.aspx?id=176485>
۲۲. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ الف، ولیعهد بحرین: تحولات مصر و تونس به کشورهای عربی سرایت نمی کند، مشاهده در سایت: <http://isna.ir/fa/print/8911-13214>
۲۳. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ ب، شرایط مبارک محور رایزنی های پادشاه عربستان با مسئولان آمریکایی، مشاهده در سایت: <http://isna.ir/fa/news/8911-11004>
۲۴. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۹ ج، نیروهای شورای همکاری خلیج فارس وارد بحرین شدند، قابل مشاهده در:
<http://isna.ir/fa/news/8912>
۲۵. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ الف، دستور عربستان به بحرین برای تغییر نام و پرچم این کشور، قابل مشاهده در:
<http://www.isna.ir/fa/news/9003-00324>

۲۶. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ ب، حمایت مجدد سعودی‌ها از نظام حاکم بحرین، قابل مشاهده در:

<http://isna.ir/fa/print/9009-11410>

۲۷. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ ج، نطق پادشاه عربستان در نشست شورای همکاری خلیج فارس، قابل مشاهده در:

<http://isna.ir/fa/news/9009>

۲۸. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ د، تلاش‌های عربستان برای جلوگیری از محاکمه مبارک، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.isna.ir/fa/news/9002-02829>

۲۹. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰ هـ، کمک چهار میلیارد دلاری عربستان به مصر، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.isna.ir/fa/news/9003-00127>

۳۰. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۱، حمد بن عیسی آل خلیفه عربستان و بحرین را کشور واحد خواند، قابل مشاهده در

سایت: <http://isna.ir/fa/news/91031006459>

۳۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹، اعلام حمایت شاه سعودی از حسنی مبارک، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8911091513>

۳۲. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱ الف، تلاش عربستان برای جلوگیری از انتخاب کاندیدای اسلام‌گرایان در مصر،

قابل مشاهده در سایت: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910306000269>

۳۳. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱ ب، تشکر شفیق از شاه سعودی، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910302001248>

۳۴. خسروشاهی، سیدهادی، ۱۳۹۰، سلفی‌های مصر و ارتجاع عرب در گفتگو با استاد خسروشاهی، نشریه

مثلث، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.khosroshahi.org/main/index.php?Page=definition&UID=1871664>

۳۵. شبکه خبری بی‌بی‌سی، ۲۰۱۲، محمد مرسی در انتخابات ریاست جمهوری مصر پیروز شد، قابل مشاهده

در سایت:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2012/06/120624_138_egypt_election_result.shtml

۳۶. شیعه نیوز، ۱۳۹۰، حمایت مالی عربستان سعودی از وهابیون در مصر، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.shia-news.com/fa/pages/?cid=21418>

۳۷. المصریون، ۲۰۱۲، تقاریر اسرائیلیة: «العسکری» یرید شفیق رئیساً لأنه واحد منهم، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.almesryoon.com/permalink/10041.html#.UUCAOTdP3xU>

۳۸. مضاوی الرشید، ۲۰۱۲، السعودیة و مثلث الثورات، القدس العربی، بتاريخ ۰۵ - ۰۸ - ۲۰۱۲، قابل مشاهده در:

<http://www.madawialrasheed.org/index.php/arabic/more/325>

۳۹. مفکره الاسلام، ۲۰۱۲، القطان: خادم الحرمین یأمر بإرسال ۵۰۰ میلیون دولار لمصر، قابل مشاهده در سایت:

<http://www.islammemo.cc/akhbar/arab/2012/05/03/149239.html>

40. Beeston, Richard, 2011, *World Fallout from Fukushima and Arab Spring may change politics of Middle East and Far East*, "The Times (London), April 4.
41. Michele Dunne, 2001. "The Deep Roots of Bahrain's Unrest", available at: <http://carnegieendowment.org/2011/02/18/deep-roots-of-bahrain-s-unrest>
42. Fadel, Leila, 2012, *Former Mubarak prime minister Ahmed Shafiq could be Egypt's next president*, June 09, 2012. Available at: http://articles.washingtonpost.com/2012-06-09/world/35459534_1_shafiq-presidential-election-commission-mubarak
43. Fahim, Kareem and David D. Krikpatrick, 2012, "*Saudi Arabia Seeks Union of Monarchies in Region*" May 14, 2012. Available at: http://www.nytimes.com/2012/05/15/world/middleeast/saudi-arabia-seeks-union-of-monarchies-in-region.html?_r=0
44. Fisk, Robert, 2011, *Letters: Saudi forces in Bahrain to help*, Available at: <http://www.independent.co.uk/voices/letters/letters-saudi-forces-in-bahrain-to-help-2297956.html>
45. Fisk, Robert, 2011, *they didn't run away. They faced the bullets head-on*, available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/robert-fisk-in-bahrain-they-didnt-run-away-they-faced-the-bullets-headon-2219267.html>
46. Gause, F. Gregory, 2011, "*the Year the Arab Spring Went Bad*", available at: <http://www.brookings.edu/research/opinions/2012/12/31-arab-spring-failure-gause>.
47. Kamrava, Mehran, 2011, *The Arab Spring and the Saudi-Led Counterrevolution*, Published by Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute, available at: <http://www18.georgetown.edu/data/people/mk556/publication-61403.pdf>
48. Kristof, Nicholas, 2011, "*Bahrain Pulls a Qaddafi*," International Herald Tribune, March 18.
49. Landler, Mark and Helene Cooper, *Allies Press U.S. to Go Slow on Egypt*, February 8, 2011. Available at: <http://www.nytimes.com/2011/02/09/world/middleeast/09diplomacy.html>
50. Nolan, Leigh, 2011, *Managing Reform? Saudi Arabia and the King's Dilemma*, Brookings Doha Center, POLICY BRIEFING, May.
51. MacFarquhar, Neil, 2011, "*Saudis Scramble in Bid to Contain Regional Unrest*," The New York Times, May 28, 2011.
52. Ottaway, Marina & Ottaway, David, 2011; "*Of Revolutions, Regime Change, and State Collapse in the Arab World*", available at: <http://carnegieendowment.org/2011/02/28/of-revolutionsregime-Change-and-state-collapse-in-arab-world/291>
53. Reuter's news agency, 2012, *Egypt gets \$1 bln from Saudi as ties warm*, available at: <http://reuters.com/article/2012/05/10/egypt-saudi-deposit-idUSL5E8GA6ZK20120510>
54. Wehrey, Frederic, 2012, *The March of Bahrain's Hardliners*, May 31, 2012, available at: <http://carnegieendowment.org/2012/05/31/march-of-bahrain-s-hardliners/b0zr>
55. Xinhuanet news Agency, 2011, *Saudi Arabia grants Egypt 4-billion-dollar aid*, Available at: http://news.xinhuanet.com/english2010/world/2011-05/22/c_13887318.htm